

رویکرد حقوق بین الملل به شبیه‌سازی انسان

همون موثق*

انسان در قرن بیستم شاهد تحولات شگرفی بوده است، پیشرفت‌های حاصل در علوم و فنون مختلف به اندازه‌ای بوده‌اند که موجب دگرگی ای انسان و شیوه زندگانی او شده‌اند. پیشرفت و توسعه فن آوری، منجر به بروز مشکلات و معضلاتی برای بشر و محیط‌زیست او نیز شده‌اند. استخراج متابع طبیعی و بهره‌برداری بی‌وقفه از آن، چهره کره زمین را دگرگون نموده، باعث آلودگی محیط‌زیست، رانش زمین، تغییرات جوی و پدیده‌های دیگری شده است. پیشرفت فن آوری سلاحها، جنگ‌هایی به مرتبه هولناک‌تر را موجب شده است و حتی بقای حیات را به مخاطره اندخته. سلاحهای هسته‌ای موجود در زرادخانه‌های تعداد اندکی از دولتهای جهان، قادر به نابود کردن تمام حیات بر کره زمین می‌باشند.

از طرف دیگر، علوم و فنون جدید موجبات رفاه و سلامت بیش از پیش زندگی نوع بشر را فراهم آورده‌اند. امروزه با پیشرفتی که در زمینه‌های مختلفی، از جمله پژوهشی، ارتباطات، حمل و نقل، کشاورزی و صنعت حاصل شده است بسیاری از مشکلات انسانها، که قرنها با آنها مواجه بوده، مرتفع گردیده‌اند. یکی از پیشرفت‌هایی که نویدبخش آسودگی بیشتر برای انسان می‌باشد، توسعه فن آوری زیستی یا «بیوتکنولوژی» است؛ فن آوری زیستی این امکان را فراهم می‌کند که در عرصه‌های مختلف زیست‌شناسی، کشاورزی، شیلات، پژوهشی و داروسازی، و حتی صنایع (از جمله در صنایع الکترونیک و کامپیوتر) کامهایی برداشته شود که تاکنون قابل تصور نبوده‌اند. ناگفته بی‌دانست که همانند هر علم دیگری، بیوتکنولوژی نیز همراه با امیدها و نگرانی‌هایی می‌باشد: امید به سلامت و رفاه بیشتر و ترس از پیامدهای احتمالی آن.

از جمله امکاناتی که فن آوری زیستی برای انسان به ارمغان آورده است، توانایی شبیه‌سازی جانداران مختلف می‌باشد. این تحول موجب مباحثات گسترده و پر حرارتی در محافل علمی، روحانی، اخلاقی، حقوقی و سیاستگذاری، اعم از ملی و بین‌المللی شده است.

مقصود از این نوشته بررسی رویکرد حقوق بین الملل به شبیه‌سازی انسان می‌باشد. لازم به ذکر است که مبحث شبیه‌سازی از مباحث بین رشته‌ای است و نمی‌توان تنها با توجه به یکی از جوانب، اعم از حقوقی، اخلاقی، علمی یا غیر آنها، بحث را پایان یافته تلقی کرد. ولی با توجه به وسعت مطلب و گستردگی کثرت مسائل آن، از حیث ماهیت، به «حقوقی»، از حیث گستره، به «بین المللی»، و از لحاظ نوع، به «شبیه‌سازی انسان» (با تأکید بر شبیه‌سازی مولد انسان) اکتفا خواهد شد.

۱- تعریف و انواع شبیه‌سازی

در زیست‌شناسی، «کلون» به سلول یا رگانیزم اطلاق می‌گردد که ساختار رژتیکی آن با سلول یا رگانیزمی که از آن مشتق شده است یکسان و همانند باشد. برای مثال برخی از رگانیزم‌ها (همچون باکتریها، برخی از گیاهان و جانوران دریابی) با شبیه‌سازی DNA خود و تقسیم آن به دونیمه همسان، تولید مثل می‌کنند، جاندار حاصل «شبیه» یا «کلون» جاندار اصلی است. بنابراین، می‌توان یید که پیش از آنکه امکان شبیه‌سازی جانداران توسط انسان فراهم گردد، این امر در طبیعت واقع می‌شده و هر روزه صورت می‌گیرد.

تعریفی کلی که از شبیه‌سازی ارائه شده است. عبارت است از: «فرایند تولید سلول‌ها یا رگانیزم‌های شبیه (کلون)». شبیه‌سازی رامی توان از نظر موضوع، به انسان و غیر انسان، و از نظر هدف، به مولد، درمانی، و تحقیقی تقسیم نمود. البته از حیث روش نیز می‌توان این فرایند را به انواع گوناگونی تقسیم نمود که به دلیل علمی بودن آن و عدم ارتباط با بحث حقوقی، به آن مبادرت نمی‌شود.

* دانشجوی دکتری حقوق بین الملل دانشگاه شهید بهشتی و عضو گروه مطالعات و پژوهش‌های حقوق بین الملل در اداره کل پژوهش و اطلاع رسانی.

برای انواع شبیه سازی پیش گفته، تعاریف گوناگونی ارائه شده اند که در اینجا به ارائه برخی از این تعاریف، تاجایی که به شبیه سازی انسان مرتبط باشند، مبادرت خواهد شد.

شاید اولین تعریفی که از شبیه سازی انسان در یک سند بین المللی وجود دارد را بتوان تعریف موجود در پروتکل اختیاری کتوانسیون حمایت از حقوق بشر و شان انسان در خصوص کاربرد زیست شناسی و پژوهشی، راجع به مع شبیه سازی انسانها، مورخ ۱۲ ژانویه ۱۹۹۸ شورای اروپا داشت. این پروتکل در ماده یک خود مقرر می دارد:

۱- هرگونه مداخله که هدف از آن ایجاد انسانی باشد که از لحاظ ژنتیکی با انسانی دیگر، اعم از زنده یا مرده، همسان باشد منوع است.

۲- از نظر این ماده، عبارت انسانی که از «الحاظ ژنتیکی» با انسانی دیگر «همسان باشد» یعنی انسانی که دارای همان مجموعه ژنتیکی هسته ای انسان دیگری باشد.

همان گونه که در دو بند این ماده می توان مشاهده نمود، هیچ گونه اشاره ای به اهداف یاروشاهی که شبیه سازی برای آنها یا از طریق آنها صورت می گیرد نشده است. تنها ملاک مورد توجه، وجود مجموعه ژنهای یکسان در هسته سلولی می باشد. گزارش توضیحی این پروتکل صراحتاً بیان می دارد که موضع به خصوص درباره شبیه سازی سلولها و بافتها برای مقاصد تحقیقی - درمانی اتخاذ نشده و نباید چنین تلقی گردد که پروتکل مذکور مانع چنین فعالیتهای است. همچنین در بند دیگر این گزارش اشاره شده که تعیین حدود عبارت «انسان» به عهده دولتهاست. بنابراین هر دولت عضو پرونکل می بایست وقت تدبیر و سیاستهای ملی خود، طی قانونی مبادرت به تعریف عبارت «انسان» مورد نظر پروتکل بنماید. این گزارش ضمن بیان اینکه منظور پروتکل از «هسته ای» تنها ژنهای هسته می باشد (چون درباره هویت فرد، این گونه ژنهای مورد نظر هستند) و نه ژنهای میتواند دریابد، اعلام می نماید که:

عبارت «همان مجموعه ژنتیکی هسته ای» این واقعیت را بازخواهد کرد که برخی از ژنهای حین تکامل ممکن است چهار تغییرات بدنه ای شوند. لذا، مثلاً در مورد دوقلوهای همسان، مشاهده می شود که ضمن آنکه مجموعه ژنتیکی آنها یکسان است، ضرورتاً تمام ژنهای آنها صدرصد یکسان نمی باشد.^۸

سنديگری که در مورد تعریف شبیه سازی مقرر ای دارد، قطعنامه پارلمان اروپا راجع به شبیه سازی انسان است که در ۱۵ ژانویه ۱۹۹۸ به تصویب رسید. قطعنامه ای تحت همین عنوان توسط پارلمان در ۷ سپتامبر ۲۰۰۰ به تصویب رسید.^۹ که با

اندکی تسامح تعریف مندرج در قطعنامه قبلی، در بند یک خود مقرر می دارد: «پارلمان، شبیه سازی انسان را به عنوان تولید (خلق) ژنین های دارای ساختار ژنتیکی یکسان با انسانی دیگر، زنده یا مرده، در هر مرحله از تکامل، بدون هیچ گونه تمایزی از لحاظ روش به کار برده شده، تعریف می کند».

با توجه به تعریف فوق، می توان مشاهده نمود که پارلمان اروپا نیز محور اساسی تعریف را وجود ساختار ژنتیکی یکسان میان دو انسان، صرف نظر از روش به کاربرده شده یا اهداف شبیه سازی، دانسته است.

لازم به ذکر است که هنوز کتوانسیون جهانی راجع به شبیه سازی وجود ندارد و این امر توسط سازمان ملل متحده در دست بررسی است. به همین لحاظ تعاریف موجود تعاریفی هستند که در چهار چوب اروپا تهیه و مقرر شده اند. حتی اعلامیه یونسکو راجع به ژنوم انسانی «تعریفی از شبیه سازی ارائه نکرده است و صرفاً آن را منع نموده (مادة یازده)، البته، به نظر می رسید که هر گونه تعریفی که از شبیه سازی ارائه گردد، اعم از اینکه روشاهی آن لحاظ گردد یا اهداف آن ذکر شوند، قدر مسلم آن که به عنصر «وجود ساختار ژنتیکی یکسان» در تعریف قطعاً توجه خواهد شد.^{۱۰}

۲- تاریخچه علمی- حقوقی شبیه سازی^{۱۱} :

در سال ۱۹۰۱، هانس اسپمان^{۱۲} ژنین شناس آلمانی و استاد جانورشناسی در دانشگاه فرایبورگ- موفق شد با تقسیم تخمک لقاچ یا ختنه سمندر آبی در مرحله دو سلولی آن، دو لارو مستقل به دست آورد، او در سال ۱۹۱۴ اولین

در زیست شناسی، «کلون» به سلول یا ارگانیزمی اطلاق می گردد که ساختار ژنتیکی آن با سلول یا ارگانیزمی که از آن مشتق شده است یکسان و همانند باشد، برای مثال برخی از ارگانیزمها (همچون باکتریها، برخی از گیاهان و جانوران دریایی) با شبیه سازی DNA خود و تقسیم آن به دو نیمه همسان، تولید مثل می کنند، جاندار حاصل «شبیه» یا «کلون» جاندار اصلی است

در دانمارک و در سال ۱۹۸۴، استین ویلادسون^{۱۳} موفق شد گوسفنده را شبیه سازی کند. نامبرده در سال ۱۹۸۶ نیز موفق به شبیه سازی یک گاو شد. برای اولین بار در جهان، در سال ۱۹۹۶ یان ویلموت^{۱۴} و گروه پژوهشگران اسکاتلندی وی موفق شدند گوسفنده را با استفاده از سلولهای بالغ شبیه سازی کنند. نام این گوسفندر را «دالی»^{۱۵} گذاشتند و خبر شبیه سازی آن در سراسر جهان پخش شد.^{۱۶} پس از این واقعه، خبر شبیه سازی پستانداران دیگری با استفاده از همین روش یا روشاهی مشابه از جمله شبیه سازی موش (اوکایاما، ۱۹۹۸)، گاو (کاتو، ۱۹۹۸)، بز (باکویسی، ۱۹۹۹)، میمون

قطعنامه سال ۱۹۹۸ از دولتها می خواهد که به مباحثه در این زمینه ها دادمه دهند و اقدامات مناسبی، از جمله تدبیر حقوقی و قضایی، را برای معن شیبه سازی مولد انسان به عمل آورند.^{۳۴}

در باره الزام آور بودن این قطعنامه ها و اعلامیه ها از دو منظر می توان بحث کرد. اول آنکه به این اعلامیه ها بعنوان عمل یک سازمان بین المللی نگریسته شود و نیروی الزام آوری و نقش آنها در ایجاد هنجارهای بین المللی یا اثرگذاری بر آنها از لحاظ سازمانی بررسی شود؛ دوم آنکه به محتوای این اعلامیه ها پرداخته شود و به مبنای غایبات آنها توجه گردد.

چنانچه از منظر اول نگریسته شود، سه دیدگاه مشاهده می شود. دیدگاه اول، که غالباً توسط حقوقدانان کشورهای در حال توسعه (که اکثریت چنین مجتمعی را شامل می گردد) مطرح می گردد، عبارت از این است که مصوبات چنین مجتمعی برای دولتهای عضو الزام آور می باشند. این گروه به دلایل همچون «اصول رضایت و استاپل»^{۳۵} (توافق میان اعضا مجمع)^{۳۶} و «اختیار نمایندگان مجامع برای الزام دولتها خود»^{۳۷} استناد می کند و معتقدند که مصوبات مجمع عمومی سازمانهای بین المللی برای دولتهای عضو آنها ایجاد تعهد و بار حقوقی می نماید. دیدگاه دوم مبنی بر این است که این گونه مصوبات صرفاً دارای نیروی اخلاقی و سیاسی هستند.^{۳۸} کیلار معتقد است که مصوبات مجمع عمومی فاقد جنبه الزام آور هستند و در توجیه نظر خود به این دلیل اشاره می کند که «حقوق بین الملل موضوعه هنوز بر اصل [رضایت کشورها] در قبال تعهدات بین المللی تکیه داشته و قطعنامه هر سازمان [بین المللی] فقط برای اکثریت اعضا به تصویب می رسد». ایشان در باره اعلامیه ها عقیده دارند که این نوع مصوبات با وجود آن که الزام یک معاهده بین المللی را ندارند، از آنجا که متضمن یکی از عناصر عرف (توافق ضمنی جامعه کشورها) می باشند، به ویژه هنگامی که بالاتفاق آراء [یا کنسنسوس] تصویب شوند، به عرف نزدیک می شوند و «به هر تقدیر بارقه ای از الزام نیز در این قبیل اعلامیه ها به چشم می خورد».^{۳۹}

دیدگاه سوم از دیدگاه دوم مشتق شده است. به این معنی که پیروان این نظریه معتقدند که مصوبات سازمانهای بین المللی توصیه هستند ولذا برای دولتها از نظر حقوقی الزام آور نمی باشند. ولی بنابر نظر این گروه، مصوبات دارای عنصر حقوقی خاصی هستند. با این حال، راجع به اینکه این عنصر حقوقی دقیقاً چیست دیدگاهها بسیار تفاوت دارند. برخی آن را «تعهد اعضای سازمان به همکاری جهت حصول اهداف سازمان»^{۴۰} می دانند، برخی دیگر عنصر حقوقی مزبور را در این دانسته اند که «[این] گونه مصوبات مجوزی حقوقی برای اعضایی هستند که می خواهند به آن عمل کنند». به نظر می رسد که نظریه پروفسور تونکین که در این دیدگاه طبقه بندی می شود، از همه نظریه ها به واقع نزدیکتر باشد.^{۴۱} ایشان معتقد است که راه حل صحیح پاسخگویی به مساله ماهیت توصیه نامه های سازمانهای بین المللی این است که به توری هماهنگی اراده دولتها^{۴۲} توجه شود. بنابر نظر وی، توصیه نامه های صادره، در سازمانهای بین المللی، حاصل هماهنگی اراده دولتهای عضو آن سازمان می باشند. فرایند هماهنگی آنها مبتنی بر سنده اساسی سازمان است و نتیجه آن، عمل سازمان می باشد: صدور مصوبه. ماهیت چنین مصوبه ای به مقررات مرتبط سند اساسی آن سازمان بستگی دارد. وی در ادامه اضافه می کند: «[مصوبه] هنجارساز یک سازمان بین المللی نتیجه هماهنگی اراده دولتهای عضو سازمان در باره قواعد رفتاری است. با این حال، مصوبات محدود به این نیستند....».

این مصوبات، حاصل هماهنگی اراده دولتها تهاب قواعد رفتاری مندرج در متن مصوبه نمی باشد، بلکه شامل تقاضای از دولتها است که قواعد مزبور را در عمل مراعات کنند.^{۴۳}

چنانچه مساله از منظر دوم بررسی شود (توجه به مبنای غایت ممنوعیت شیبه سازی مولد انسان)، باید اشاره کرد که این ممنوعیت ریشه در ملاحظات حقوق بشري دارد و با آن دارای اشتراکات بسیاری است.^{۴۴} شاهد این مدعای این توان در استناد مذکور ملاحظه نمود. این مصوبات در مقدمه های خود، به تضاد شیبه سازی مولد انسان با شان پسر

(چان، ۱۹۹۰)، و فوک (اوینیشی، ۲۰۰۰^{۴۵} پولیوا، ۲۰۰۰^{۴۶}) - اعلام شدند. این خبرها سؤالی را مطرح می ساختند: اگر امکان شیبه سازی پستانداران فراهم شده است و از طرفی انسان نیز یک پستاندار می باشد، آیا امکان شیبه سازی انسان نیز وجود دارد؟ و آیا در صورت امکان، می توان مبادرت به چنین کاری کرد؟

۳- رویکرد حقوق بین الملل موضوعه

نشر خبر شیبه سازی «دالی» انعکاس گسترده ای در مراجع و سازمانهای بین المللی داشت تا جایی که پارلمان اروپایی در قطعنامه ای که در سال ۱۹۹۷ راجع به شیبه سازی صادر کرد صراحتاً آن اشاره نمود.^{۴۷} سیل قطعنامه ها و مصوبه های سازمانهای بین المللی مختلف،^{۴۸} به ویژه در اروپا، نشان از نگرانی جامعه بین المللی درباره شیبه سازی انسان دارد. این نگرانی ریشه در دغدغه خاطر جامعه بین المللی برای صیانت از انسان دارد، دغدغه خاطری که در اسناد متعدد حقوق بشری عینیت یافته، حاکی از توجه دولتها به اهمیت حقوق انسانها و ضرورت حفاظت از این حقوق است. اصولی همچون عدم تبعیض، تفویض ناپذیری، جهان شمولی، و حقوقی چون حق حیات و ازادی از شکنجه، در اسناد مختلفی که ناظر بر امر شیبه سازی هستند، بیان شده اند. ناگفته پیداست که این اصول و حقوق همگی ریشه در حقوق بشر دارند و تاکنون آنها در اسناد مربوط به شیبه سازی، مبین این است که جامعه بین المللی بر ارتباط شیبه سازی انسان با حقوق و آزادیهای بنیادین او اشراف داشته، قصد حمایت از این حقوق و آزادیهارا دارد. این امر در بعد جهانی با آنکه کندتری نسبت به اروپا در حال وقوع است.

در عرصه جهانی هنوز معاهده ای در باره شیبه سازی تنظیم نشده است و تها چند مصوبه از سازمانهای مختلف در این خصوص صادر شده اند. سازمان

در عرصه جهانی هنوز معاهده ای در باره شیبه سازی تنظیم نشده است و تنها چند مصوبه از سازمانهای مختلف در این خصوص صادر شده اند. سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد (يونسکو) در سال ۱۹۹۷ اعلامیه جهانی ژنوم انسانی و حقوق بشر را صادر کرد که طی آن، در ماده یک اعلام می دارد که ژنوم انسانی مبنای وحدت بنیادین همه اعضای خانواده بشری و نیز شناسایی شان ذاتی و تمایز آنها می باشد، در ماده یازده خود نیز اعلام می نماید: «عملی که مغایر باشان پسر هستند، همچون شیبه سازی مولد انسان، مجاز نخواهند بود. از دولتها و سازمانهای بین المللی صلاحیت داد گفته می شود که در شناسایی چنین اعمالی، و اتخاذ تابیر لازم در سطوح ملی و بین المللی برای تضمین رعایت اصول مندرج در این اعلامیه همکاری نمایند»

مجموع عمومی نیز طی مصوبه ای^{۴۹}، قطعنامه مزبور را تایید نمود. نکته ای که باید به آن توجه داشت این است که استناد مذکور فاقد نیروی الزام آور حقوقی هستند و صرفاً جنبه توصیه ای دارند. ضمن اینکه مقرر پیش گفته صرفاً ناظر بر شیبه سازی مولد انسان است و دیگر اشکال شیبه سازی را خطاب واقع نگردد است. مساله دیگر آنکه علوم نگرده است که منظور از «انسان» چیست؟ آیا جنین انسانی را نیز شامل می شود یا خیر؟ و اگر پاسخ مثبت است، در کدام مرحله تکاملی جنین؟ سازمان بهداشت جهانی نیز طی دو قطعنامه در سالهای ۱۹۹۷ و ۱۹۹۸ تاکید نمود که: «شیبه سازی برای تکثیر انسانها از نظر اخلاقی غیر قابل قبول بوده و مغایر باشان و... بشر است».^{۵۰}

اسپانیا) با شبیه سازی انسان برای مقاصد درمانی - تحقیقی با استفاده از سلولهای پایه بالغ (غیر جنینی) موافق هستند و مخالفت آنها با شبیه سازی انسان برای استفاده از سلولهای پایه جنینی برای مقاصد تحقیقی - درمانی این است که مخالف از بین بردن جنین انسانی برای چنین مقاصدی هستند. این دولتها، همانند واپیکان،^{۵۰} معتقدند که حیات انسانی از زمان لفاح تحملک و اسپرم به وقوع می پیوندد و موجود حاصل، دیگر توده ای از سلول نیست، بلکه انسانی است که باید مورد حمایت واقع شود. دلیل دیگری که این دولتها ارائه می کنند، عدم امکان نظارت مؤثر بر شبیه سازی انسان برای مقاصد درمانی - تحقیقی است. آنها ابراز می دارند که چنانچه این نوع شبیه سازی مجاز دانسته شود، امکان ریدابی و پیکرگرد افرادی که مبادرت به شبیه سازی مولد انسان نیز می کنند غیر ممکن خواهد بود. دلایل دیگر آنها، یکی استثمار زنان جهت دست یابی به تخمکهای آنها، و عدم قطعیت منافع شبیه سازی تحقیقی - درمانی با استفاده از سلولهای جنینی است.^{۵۱}

این مواضع عیناً در سازمان ملل نیز انعکاس یافته اند. توضیح آن که در پنجاه و ششمین اجلاس مجمع عمومی، به درخواست فرانسه و آلمان،^{۵۲} مسئله تهیه یک کنوانسیون بین المللی علیه شبیه سازی مولد انسانها در دستور کار مجمع قرار گرفت. در همان جلسه، مجمع عمومی، کمیته ویژه بررسی تهیه یک کنوانسیون بین المللی علیه شبیه سازی انسان را تأسیس کرد و از آن خواست که گزارش کار خود را به مجمع عمومی و در اجلاس پنجماه و هفتم آن ارائه نماید. همچنین توصیه نمود که این امر در چهارچوب یک گروه کاری در کمیته ششم مجمع (کمیته حقوقی) ادامه یابد.^{۵۳}

مواضع دولتها هم در کمیته ویژه وهم در گروه کاری کمیته ششم، انعکاسی از مواضع پیش گفته بود.^{۵۴} همه دولتها اتفاق نظر داشتند که شبیه سازی مولد انسان

شاید اولین تعریفی که از شبیه سازی انسان در یک سند بین المللی وجود دارد را بتوان تعریف موجود در پروتکل اختیاری کنوانسیون حمایت از حقوق بشر و شان انسان در خصوص کاربرد زیست شناسی و پزشکی، راجع به منع شبیه سازی انسانها، مورخ ۱۲ ژانویه ۱۹۹۸ سورای اروپا دانست

متضمن مسائل و نگرانیهای مذهبی، اخلاقی، علمی و غیره می باشد و باید منع گردد.^{۵۵} اختلاف نظر راجع به دامنه این منوعیت و شیوه انجام آن بود. برخی از نمایندگان اعتقاد داشتند که باید هر چه سریع تر کنوانسیون بین المللی برای منع شبیه سازی مولد انسان تهیه شود. به نظر این گروه از دولتها، ابتدا می باشد تا شبیه سازی مولد منع گردد و سپس راجع به اشکال دیگر آن (تحقیقی - درمانی) بحث شود. این دولتها بیان کردند که چنین روشهای هم از لحاظ عملی و هم از نظر اصولی درست نیست. آنها با اشاره به اینکه کار شبیه سازی انسان هم اکنون نیز در حال پی گیری است، اعلام داشتند که ضرورت تهیه کنوانسیونی بین المللی جهت منع چنین عملی در اسرع وقت، حیاتی است.

در مقابل، گروه دیگری از دولتها از منوعیت فرآگیر اشکال مختلف شبیه سازی انسان حمایت می کردند. دلایل این گروه نیز، علاوه بر آنچه قبل اذکر شد، این بود که منع جزئی شبیه سازی انسان (مولد) پیام اشتباہی را به جامعه بین المللی خواهد داد و ممکن است تصور شود که دیگر اشکال شبیه سازی مجاز و بلا اشکال هستند، و اینکه منع جزئی موجود ابهام حقوقی خواهد بود.

شیوه دیگری که پیشنهاد شد، این بود که شبیه سازی، تا زمان

نموده اند، آن را غیر قابل قبول و توجیه پنداشته اند. علاوه بر این، به استاد مختلف حقوق پسر استاد کرده اند و اعلام داشته اند که شبیه سازی مولد انسان مغایر با حقوق و آزادیهای بنیادین مصرح در این استاد بوده، با اخلاق در تعارض است.^{۵۶} با مطالعه این استاد و استادی که در اروپا و در همین مورد تنظیم شده اند، به راحتی می توان دریافت که همگی انها پی هدف واحد هستند و این هدف چیزی نیست جز صیانت از شان بشر از طریق توجه به مسائل اخلاقی مربوط به علوم زیستی و پزشکی. این امر گرچه از طریق مصوبات سازمانهای بین المللی و با موافقت نمایندگان دولتها عضو این مجامع صورت گرفته است، ولی به نظر می رسد که منوط به اراده آنها نبوده، فاقد جنبه تاسیسی است: توجه به شان بشر در این استاد، وجود کنستنسوس اعضای جامعه بین المللی مبنی بر منوعیت شبیه سازی مولد انسان،^{۵۷} و اکنون افکار عمومی به شبیه سازی گوسفند معروف (далی)،^{۵۸} و مبانی حقوق بشری این منوعیت (که خود ریشه های فلسفی و اخلاقی دارد)^{۵۹} همگی حاکی از این واقعیت هستند که مبنای این منوعیت، در اراده مثبتة دولتها عضو سازمانهای بین المللی، که با انشاء خود چنین منوعیتی را «وضع» کرده باشند، نیست، بلکه در اختیارات ذاتی هر انسانی است که به صرف انسانیت خویش، بهره مند از آنها بوده، نمی تواند خود را محروم و مسلوب از آزادی ها و حقوق بنیادین بشری خویش نماید. دولتها جهان نیز با آگاهی از این واقعیت و با تکیه بر مبانی اخلاقی و فلسفی اصول حقوق و آزادی های بنیادین بشر، مبادرت به اعلام این منوعیت، از مجرای سازمانهای بین المللی و به صورت مصوبات صادره توسط آنها نموده اند.

البته در اروپا، دولتها از بیان انتزاعی منوعیت شبیه سازی مولد انسان به صورتی هنجاری کلی و مبهم کامی فراتر نهاده اند و پروتکلی اختیاری، که در واقع مکمل کنوانسیون اویدو می باشد، تهیه و تنظیم نموده اند تتعهدات عینی و مشخصی را، در قالب قواعدی حقوقی والزام آور (چه از لحاظ شکل و چه از لحاظ ماهیت) بر جوامع خویش مستقر سازند. این پروتکل که در هشت ماده تنظیم شده است،^{۶۰} پس از آنکه در اولین ماده خود شبیه سازی مولد انسان را منع می کند، در ماده سه اعلام می نماید که تمام مقررات کنوانسیون اویدو^{۶۱} به این پروتکل و موضوع آن تسری می یابند، این کنوانسیون که اولین معاهده بین المللی الزام آور در مورد صیانت از شان، حقوق و آزادیهای بشر در برابر سوء استفاده از پیش فتهای زیستی و پزشکی است، طی اصول و قواعدی چند (از قبیل اصل رضایت، منع تعییض، اولویت فرد بر تحقیقات علمی، ضرورت مباحثه عمومی راجع به جنبه های مختلف بیوتکنولوژی، حمایت از افراد ناتوان در ابراز رضایت، منع خرید و فروش اعضا بدن و غیره) تعهداتی را بر دولتها بار نموده است.^{۶۲}

۴- مواضع دولتها

اشارة شد که دولتها درباره اینکه شبیه سازی مولد انسان ممنوع است و با حقوق و آزادیهای بشر و شان او مغایرت دارد اتفاق نظر دارند. بسیاری از دولتها، به ویژه دولتها پیش فته مقررات کیفری و سیستمهای کنترلی ویژه ای برای اجرای این منوعیت در قلمرو سرزمین و صلاحیتی خود تدارک دیده اند. برای مثال در انگلستان، پس از آنکه مجلس اعیان در ۲۲ ژانویه ۲۰۰۱ حکم کرد که شبیه سازی جنینهای انسانی برای تحقیقات سلولهای پایه مجاز است، مشروط بر اینکه نهایتاً بعد از چهارده روز از زمان ایجاد، آنها را از بین ببرند،^{۶۳} پارلمان قانونی وضع نمود که مانع شبیه سازی مولد انسان شد. این قانون، قراردادن جنینهای شبیه سازی شده در رحم را منع می کند. بنابراین شبیه سازی جنینهای شبیه سازی تحقیقاتی را جایز می داند.^{۶۴} متنقابلًا در ایالات متحده این دیدگاه وجود دارد که شبیه سازی انسان به هر صورت و به هر دلیل باید ممنوع باشد. البته این دولت و دولتها دیگری که همین موضع را اتخاذ کرده اند (از قبیل آلمان و

به نظر می‌رسد که این طرح، به دلیل قابلیت انعطاف پیشتری که دارد، در مجمع عمومی از استقبال پیشتری برخوردار گردد.

نتیجه‌گیری:

به نظر می‌رسد که ظرف یکی - دو سال آینده، کنوانسیون بین الملل منع شبیه سازی انسان، که به اختلال زیاد ناظر بر شبیه سازی مولد بوده و صرفنظر از شیوه‌های علمی، ساختار ژنتیکی واحد را محور تعریف خود قرار خواهد داد، برای تصویب دولتها مفتوح اعلام گردد. به غیر از بحث دامنه و هدف کنوانسیون (منع کلی یا جزئی)، به نظر می‌رسد که

سایر جزئیات آن چندان اختلافی را میان دولتها به وجود نیاورند.

ولی آنچه در اینجا باید به آن توجه کرد، اثر عناصر فرآهنقوی بر حقوقه و تحولات آن می‌باشد. پدیده‌ای علمی، که ابتدا در چند کشور توسعه یافته به وقوع پیوست، اکنون بعدی جهانی یافته، از محافل علمی خارج شده و به مبحث روزانه‌های گوناگونی بدل گشته است. این امر خود به حرکت‌های اجتماعی، در ابعادی متنوع و متفاوت منجر شده است که این حرکتها به نوبه خود بر حقوق کشورها، و در مرحله بعد، حقوق بین الملل تاثیرگذار بوده‌اند. وجود اتفاق نظر درباره ممنوعیت شبیه سازی مولد انسان و اختلاف نظر درباره اشکال دیگر آن، منع از موضع مختلف اخلاقی، مذهبی، فلسفی و علمی دولتهاست که ریشه در فرهنگ آنها و مردمان آنها دارد.

با توجه به آنکه جمهوری اسلامی ایران هنوز موضعی در قبال این پدیده اختلاف نکرده و در عین حال، بحث شبیه سازی به مبحث مورد علاقه محافل گوناگون و نشریات مختلف بدل شده است، امید است که در آینده نزدیک، کشور ایران با توجه به دیدگاه‌های موجود در جامعه ایرانی، موضعی منطبق با فرهنگ ایرانیان و خواست اکثریت ایرانیان اختلاف نماید و نقشی مؤثر در تهیه کنوانسیون منع شبیه سازی انسان به

عهده گیرد ■

لازم الاجرا شدن کنوانسیونی علیه شبیه سازی مولد انسان، به حالت تعليق در آید، ديدگاه دیگر اين بود که شبیه سازی مولد به صورت دائم ممنوع اعلام گردد و شبیه سازی انسان برای مقاصد تحقیقی - درمانی به مدت پنج سال منع گردد تا جامعه بین المللی فرصت ارزیابی تغییرات در موائزین و پیشرفت‌های علمی را داشته باشد. پیشنهاد دیگر این بود که کنوانسیونی تهیه شود که تمرکز آن بر شبیه سازی مولد انسان باشد و در عین حال حاوی مقرراتی درباره شبیه سازی تحقیقی - درمانی باشد که دولتها بتوانند به این مقررات شرط وارد نمایند یا آنها را بپذیرند.

۵- چشم‌انداز آینده

حاصل تعامل دیدگاهها و برآیند نظرهای مختلف، دو پیش‌نویس است که توسط دو گروه از دولتها تنظیم شده‌اند: یکی پیش‌نویس قطعنامه‌ای که به مجمع توصیه می‌کند کار تهیه کنوانسیونی بین المللی برای منع شبیه سازی مولد انسان را پیگیری کند، و دیگری، پیش‌نویس قطعنامه‌ای است که ممنوعیت فراگیر همه اشکال شبیه سازی را مد نظر دارد.^۶ طرح اول به ۰.۸.۱، و طرح دوم به ۰.۳ معروف است.

هر دو طرح، بالشاره به اعلامیه جهانی ژئوم انسانی و حقوق بشر، مصوب یونسکو در ۱۹۹۷، از خطراتی که از جانب علوم زیستی متوجه تمایمت و شان بشر می‌باشد، ابراز نگرانی کرده، هدف خود را پیشگیری از مخدوش شدن شان بشر بر اثر پیشرفت‌های علمی اعلام می‌کنند. همچنین، اتخاذ تدبیر موقت (و در طرح ۰.۳، تدبیر دائم) در سطح ملی برای پیشگیری از مخدوش شدن شان بشر افراد بر اثر خطرات بالقوه علوم زیستی پیش‌بینی شده‌اند.

هنوز کنوانسیون جهانی راجع به شبیه سازی وجود ندارد و این امر توسط سازمان ملل متحدد در دست بررسی است. به همین لحاظ تعاریف موجود تعاریفی هستند که در چهار چوب اروپا تهیه و مقرر شده‌اند. حتی اعلامیه یونسکو راجع به ژئوم انسانی^۷ تعریفی از شبیه سازی ارائه نکرده است و صرف آن را منع نموده (ماده یازده). البته، به نظر می‌رسد که هر گونه تعریفی که از شبیه سازی ارائه گردد، اعم از اینکه روشهای آن لحاظ گرددند یا اهداف آن ذکر شوند، قادر مسلم آن که به عنصر «وجود ساختار ژنتیکی یکسان» در تعریف قطعاً توجه خواهد شد

هر دو طرح عناصر یکسانی را برای درج در کنوانسیون آتی پیش‌بینی کرده‌اند. از جمله: دامنه، تعاریف (که بسیار مورد تاکید بوده)، هدف (که در طرح ۰.۸ ممنوعیت کلی و در ۰.۹ ممنوعیت جزئی است)، نحوه اجرا در سطح ملی، تدبیر پیشگرانه (و کیفری)، مسائل مربوط به صلاحیت، ترویج و تحکیم همکاری بین المللی، تبادل اطلاعات، و در نهایت، ساز و کارهای نظارت بر اجرای کنوانسیون.^۸ لازم به ذکر است که طرح ۰.۸.۱ با وجود آنکه ناظر بر منع شبیه سازی مولد انسان می‌باشد، در بندهشت خود مقرر داشته که:

«از دولتها بیایی که تاکنون سایر اشکال شبیه سازی مغایر باشان بشر را در سطح ملی ممنوع کرده‌اند یا به حالت تعليق در نیاورده‌اند، می‌خواهد که چنین تدبیری را اتخاذ نمایند». در واقع، این طرح با آنکه منع جزئی را محور خود قرار داده است، به هیچ عنوان، تجویزی برای سایر انواع شبیه سازی نمی‌باشد. این امر به صراحت در بندهای (۳۵ و ۳۶) اعلام شده است، به نحوی که نه تنها عدم تجویز سایر اشکال صراحتاً اعلام گردیده، بلکه امكان منع سایر اشکال توسط دولتها در سطوح ملی کاملاً آشکار و صریح در بندهای (۳۵) اعلام شده است.

- e.693; Bastid, s.; Droit international Public, le droit des Organisations internationales, 1969 - 70, I, p. 91.

- کلیپار، گلود البر نهاده‌ی روایت بین‌الملی ترجمه مکفر هدایت الله الفاسی؛ شتر نو ۱۳۶۸/۱۰، صفحات ۵۰-۵۱.

- Malintoppi, A, Le raccomandazioni internazionali, 1958, Mondiale, 1972, Virally, m, L'organisation

- Sir Hersch Lauterpacht; Voting Procedure On Questions Relating to Reports and Petitions Concerning the Territory of South - West Africa, Advisory Opinion, ICJ Rep. 1955, p. 115.

- دیدگاه گروه او از تجاوز یا بکار بردن توجه به مردم سلطنت ملی مسأله بین‌المللی مطرخ گردیده و به صورت انتزاعی معتقد به ازایل ایور بون مصوبیت می‌شود، بجز این قابل تصور نیست. مکفر هدایت الله الفاسی؛ شتر نو ۱۳۶۸/۱۰، صفحات ۵۰-۵۱.

- اهمیت حقوقی مصوبات معدن است، با توجه به مطالعه‌ی مکفر هدایت الله الفاسی؛ شتر نو ۱۳۶۸/۱۰، صفحات ۵۰-۵۱.

- Final Report of the Committee on Formation of Customary London Conference, International .(General) International Law Law Association, 2000).

- Co - ordination of the Wills of States.'

- Tunkin, G.I; "The Role of Resolutions of International Organisations in Creating Norms of International Law"; in: Butler, W.E. (ed); International Law and the International System; 1987, pp. 8 - 9.

- ر. ش. به مسند های اعلامیه جهانی پونسکر راجع به گذئوم انسان (۱۹۹۷)، فلسفه انسان ۵۷/۵۷ مجموع مسانی زبان WHA51.10 (۱۹۹۸) مصوب ملی متحده راجع به ازایل ایور (ازایل ایور) راجع شود.

- پدراشت مهندی (۱۹۹۸) مصوب ملی متحده راجع به ازایل ایور (ازایل ایور) راجع شود.

- Resolution on Cloning, European Parliament, 1997 O.J. (C 115) and Ibidem, 1998 O.J. (c 34) 164 (Jan. 14/4/92 (Mar. 12, 1997 and the Cloning of 15,1998); European Council Declaration on Banning Human Being (1997), Bulletin Of the European Union (22 June. Council of Europe, Parliamentary, Opinion No. 202 (1997) (1997 Protocol to the Convention on Human on the Draft Additional Cloning Human Rights and Biomedicine on the Prohibition of Beings (sept. 23, 1997) and the Said Protocol itsel, ETS No. 168, 12 Jun. 1998

- همان مطلع:

- ر. ش. به فلسفه اسلامی مطالعات جهانی:

- WHO Resolution WHA 51.10 (1998), Second Preambular Paragraph.

- ر. ش. به فلسفه اسلامی پارلمان رژیم اسلامی مکفر در پیو شوشت تمار ۴۹ در این مورد به مخصوص رجوع شود.

- فلسفه اسلامی اخلاق، علیق، مدنیت اسلامی، اسلامیت در مقامی قادی حقیقی، ارشت اخلاقی و پرستش، این مطلع راجع خاتمه حکم فرقه بین‌المللی مسیحیت اسلامی ایران، شاریست و ششم و هفتم، ۱۳۸۷، برای ایجاد مطالعه پیش از درباره اخلاق و فلسفه بر حق شدن از معمونیت شیوه‌ی اسلامی مولد انسان و حقوق بین‌الملل، به این رزی رجوع شود.

- همان مطلع، پورنگ، جهانی شدن و پندی مسکوک اسلامی، مظہمة پسالیم؛ تکمیل کتاب پل ایادی؛ نظر مکفر،

- فرقه اسلامی، انصار اخلاق و فلسفه، ایزو شفاهگان رفره و اندیشه اسلامی و سازمان مطالعه و تدریس کتب علمی اسلامی شفاهگانها (است) ۱۳۷۸

- Tomuschat, Christian, "Ethos, Ethics and Morality in Encyclopedia of Public International Relations International Law, Vol.9.

- گزارش مکفر در پیو شوشت ۱۲

- پیو شوشت مکفر در تاریخ اول مارس ۲۰۰۱ لازم اجراء شد.

- Convention for the Protection of Human Rights and Dignity of regard to the application of biology and the Human being with Biomedicine, ETS medicine: Convention on Human Rights and No.: 164; 4 April 1997 (**oviedo Convention**).

- عالمگردان چهل متعارف از من این کشور می‌باشند که از این پیو شوشت می‌باشد: *(سماره کوک موسیون)*

- http://Conventions.coe. int/ Treaty (۱۳۶۴)

- Bert Thompson, Brad Harrub, op.cit., at note 3.'

- U.K. Bans Human [Reproductive] Cloning; www. grg. org/ ukcloning. htm.

- www. un. int/ usa/ cloning. htm.

- از تراوی اکاهی از موضعی امریکا، ر. ش.:

- Declaration on the Production and the Scientific and Therapeutic use of Human Embryonic Stem Cells, at: www. Vatican .va/ roman - Curia / Pontifical - academies / acdlife/ documents and : Observations on the Universal Declaration on the Human Genome and Human Rights at: www. Vatican. va / roman - curia/ secretariat - State / documents

- همان مطلع مکفر در پیو شوشت ۱۰ و ۱۱:

- Ten Reasons to Support the Brownback - Landrieu Cloning Ban Cloninginformation. org / info/ talking - Point. (S. 1899), at: www. htm .

- A/56/ 192, (2001).'

- U.N.G.A. Res. 56/ 93 (A/ Res/ 56/ 93), 28 Jan. 2002.

- C.F. Report of the ad hoc Committee: A/57/51: and Report of the Working Group (A/ C. 6/57/ L. 4).

- A/57/51, Para. 11.'

- A/C.6/57/L. 8 (Proposed by: Belarus, Belgium, Brazil, Canada, China, Cuba, Czech Republic, Denmark, Finland, France, Germany, Greece, Hungary, Iceland, Japan, Latvia, Liechtenstein, Lithuania, Luxembourg, Norway, Slovenia and Switzerland; A/C.6/57/ L. 8/ Corr. 1)

- A/C.6/57/L. 3/ Rev. 1 (sponsors: Antigua and Barbuda, Argentina, Costa Rica, Dominica, Dominican Republic, El Salvador, Eritrea, Ethiopia, Fiji, Georgia, Grenada, Honduras, Italy, Kazakhstan, Kenya, Kyrgyzstan, Lesotho, Marshall Islands, Micronesia, Nicaragua, Nigeria, Panama, Paraguay, Philippines, Saint Kitts and Nevis, Saint Lucia, Saint Vincent and the Grenadines, Spain, Suriname, Tajikistan, Timor - Leste , Tonga, Turkmenistan, Tuvalu, United States of America, Uzbekistan and Vanuatu; A / L. 6/57/L.3/Rev. 1/corr. 1)

- on cit. at notes 67 and 68 .

- در این باره رجوع شود به: موافق، همومن؛ بررسی اصول حقوق بین‌الملل حاکم بر روابط توئینه و همسایه میان اقلیت و مشارک از این مطالعه مذکور شده توسط دیبر مطالعه اسلامی ملی A/Ac. 2b/3/ 2002/ INF/ 1/Rev.1

- United Nations General Assembly Resolution 53/ 152 on the ' Human Genome and Human Rights ' 9 December 1998.

- World Health Organization,Resolution WHA 50.37 on Cloning in Human Reproduction/ 14 May 1997/ para.1/ Resolution WAH 51.10 on ethical, Scientific and Social implications of Cloning in Human Health. 16 may 1998. Para. 1.

- WHA 51.10/ para.2.'

- در این باره رجوع شود به: موافق، همومن؛ بررسی اصول حقوق بین‌الملل حاکم بر روابط توئینه و همسایه میان اقلیت و مشارک از این مطالعه مذکور شده توسط دیبر مطالعه اسلامی ملی A/Ac. 2b/3/ 2002/ INF/ 1/Rev.1

- Elias, T.O.; Africa and the Development of International Law, 1972, pp. 74 - 75.

- Asamoah, Obed y.; the Legal Significance of the Declarations of the General Assembly of the United Nations, 1966, pp. 66 - 67.

- Menon, P.K.; "United Nations Special Committee and ' Decolonisation"; Indian Journal of International Law, IX. no.1 (1969), p.27.

- Verdross, A; "Kann die General Versammlung der Vereinten Nationen das Völkerrecht Weiterbilden?", Zeitschrift für ausländisches öffentliches Recht und Völkerrecht, XXVI, 1966,